



گفتاری از آیت الله جوادی آملی؛ قرآن کریم انقلاب پیام آوران الهی را بازگو می کند

آیت الله جوادی آملی می نویسد: پاسداری از انقلاب الهی یکی از فرایض قرآن کریم به شمار می رود و یکی از بهترین راههای حراست و پاسداری «تذکره انقلاب اسلامی» و یادآوری پیروزی است.

آیت الله جوادی آملی می نویسد: پاسداری از انقلاب الهی یکی از فرایض قرآن کریم به شمار می رود و یکی از بهترین راههای حراست و پاسداری «تذکره انقلاب اسلامی» و یادآوری پیروزی است.

به گزارش خبرگزاری مهر، به مناسبت ۲۲ بهمن، سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی؛ گفتاری از آیت الله جوادی آملی به نقل از کتاب «امام خمینی بنیان مرصوص» در پی می آید؛

پاسداری از انقلاب الهی یکی از فرایض قرآن کریم به شمار می رود و یکی از بهترین راههای حراست و پاسداری «تذکره انقلاب اسلامی» و یادآوری پیروزی است. وقتی قرآن کریم انقلاب پیام آوران الهی را بازگو می کند، به خاتم انبیا(ص) می گوید: قیام انبیای پیشین را به یادآور و مبارزه خستگی ناپذیر پیام آوران قبلی را در خاطره ها احیا کن: وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ اِبْرَاهِیمَ، یا و اذکر فی الکتاب اسمعیل(لذا زنده نگهداشتن خاطره پیام آوران الهی به عنوان «تذکره»، به نوبه خود در صیانت رهاورد انقلاب، مؤثر است. سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. احیای خاطره پیروزی، سپاسگذاری نعمت خداوند سبحان است و ارج نهادن به دهه فجر و زنده نگهداشتن سالروز ورود رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی تا روز ظفرمندی حق علیه باطل، مایه صیانت انقلاب خواهد بود.

انقلاب مادامی پیروز می شود و پیروزی آن مستدام خواهد بود که هم در مرحله «حدوث» و هم در مرحله «بقا» راه انبیای الهی پیموده شود و برای پیمودن راه انبیا، برگزاری مراسم سالگرد کافی نیست، دهه فجر رسا نیست، همچنین نامیدن ایام خاصی از سال به این نام کافی نیست. اکنون ببینیم خداوند سبحان راه تداوم انقلاب پیام آوران الهی را چگونه ترسیم نموده است. وقتی قرآن کریم مبارزه موسای کلیم (ع) علیه فرعون باطل را نقل می کند این چنین می گوید: رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلٰی فُلَانٍ اُكُوْنَ ظَهِيْرًا لِّلْمُجْرِمِيْنَ.

یعنی پروردگارا! به پاس احترام نعمتی که به من دادی هرگز از مجرمین حمایت نمی کنم و این قدرت علم و توان پیکار را در راه حمایت از تبهکار صرف نمی کنم، بلکه من این نعمت خداوندی را علیه تبهکاران صرف نموده و با استمداد از این نعمت غیبی، حق را احیا می کنم و در کوران خطر، قلمم جز به یاد تو نمی تپد، فکرم جز به یاد تو نمی اندیشد، پایم جز در راه تو گام بر نمی دارد و دستم جز در مسیر تو باز و بسته نمی شود. وقتی موسای کلیم(ع) به فرمان وحی، بنی اسرائیل مستضعف را از شهر بیرون برده و به لبه دریای روان نیل رسید، سپاه فرعون تعقیب کنان رسیدند، آنگاه اصحاب موسای کلیم(ع) با یک بیان قاطع چنین گفتند: همه ما دستگیر می شویم، زیرا آنها به ما می رسند، و به موسای کلیم (ع) گفتند: در جلوی ما خطر طوفان و در پشت سرمان خطر شمشیر است: فَلَمَّا تَرٰ اَ الْجَمْعَانَ قَالَ اَصْحَابُ مُوسٰی اِنَّا لَمُدْرِكُوْنَ . موسای کلیم (ع) که از نعمت و مدد غیب بهره مند بود بین این دو خطر فریاد کشید: کلا!، یعنی آنها هرگز به ما نمی رسند، فرمود: کلا اِنَّ مَعِيَ رَبِّيْ سَيَهْدِيْنِ .

او بین خطر طوفان و خطر شمشیر گفت: خداوند مرا هدایت می کند. این راه موسای کلیم(ع) است که برخاست، پایدار ماند، با ستم جنگید، با خطر روبرو شد و در هر حال گفت: رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلٰی فُلَانٍ اُكُوْنَ ظَهِيْرًا لِّلْمُجْرِمِيْنَ . این خط بهره مندان از امدادهای غیبی است. در دستورات دینی به ما نیز پیمودن این خط را این چنین آموختند که در هر بامداد و شامگاه و هر نیمه روز و دلای شب نماز بخوانید: اَقِمِ الصَّلٰوةَ لَدُلُوْکَ الشَّمْسِ اِلٰی عَسَقِ اللَّیْلِ وَ قِرْاٰنَ الْفَجْرِ . در این آیه کریمه خدای سبحان پنج نماز را با یک جمله کوتاه تفهیم کرده و فرمود: از نیمه روز (ظهر) تا دل شب، چهار نماز شامل ظهرین و مغربین را اقامه کنید و در فجر، نیز نماز صبح را بیادارید و درباره نماز نیز فرموده اند: «لا صلاة إلا بفاتحة الكتاب». اما در فاتحة الکتاب این چنین قرائت می کنیم: اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيْمَ صِرَاطَ الَّذِيْنَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ . پروردگارا! ما را به راه راست هدایت کن، راهی که مُنْعَمین رفته و مُتَنَعِّمین پیموده اند و مُنْعَمٌ علیه طی کرده است. پروردگارا! آن راهی را که با مدد غیبی تو پیموده اند به ما نشان بده و آن راه، راه «کلیم الله» است که گفت: رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلٰی فُلَانٍ اُكُوْنَ ظَهِيْرًا لِّلْمُجْرِمِيْنَ .

بنابراین ادامه راه انبیا نه تنها در سالگرد انقلاب، دهه فجر و نه فقط سالی چند بار یا هفته ای یک بار، بلکه «هر بامداد» و «هر شامگاه» خواهد بود. اگر سخن از نماز در اوقات پنجگانه مطرح است، پیام آن ناظر به صرف نعمت در راهی که متنعمین صرف کرده اند می باشد. انسان باید قدرت علم و توان عمل را علیه باطل به پیکار گیرد که این خود برخاسته از محتوای «نماز» است. اگر رزمندگان در جبهه های نبرد ما در هنگام محاصره می گفتند: کلا اِنَّ مَعِيَ رَبِّيْ سَيَهْدِيْنِ، از برکت «نماز» بود و اگر آنها وقتی

در کام خطر قرار می گرفتند، می گفتند: لاتحزن انّ الله معنا، در سایه «نماز» است؛ بنابراین پاس داشتن نعمت الهی و بجا صرف نمودن آن، مایه تداوم انقلاب اسلامی خواهد بود.

وظیفه ای که امت اسلامی در برابر این نعمت الهی دارد آن است که دین خود را به خداوند سبحان ادا کند. قرآن کریم از دو گروهی که به اسلام رأی مثبت داده اند چنین یاد می کند: گروهی تعهد کردند که در تداوم دین، پایداری را از کف ندهند، ولی لغزیده و افتادند: و لقد كانوا عاهدوا الله لایولون الاذبار و کان عهدُ الله مسؤولاً . این گروه با رأیی که به اسلام داده اند، تعهد پایداری کرده اند تا نگریخته و صحنه را ترک نکنند و این تعهد الهی مورد سؤال است، ولی در روز خطر، دین خود را به دین ادا نکرده، برگشتند و صحنه دین را خالی و دین را تنها گذاشتند. قرآن کریم به این گروه می گوید: قل لن ینفعکم الفرار إن فررتم من الموت أو القتل و إذا لاثمتعون إلا قليلاً . خداوند سبحان به پیامبر گرانقدر الهی (ص) فرمود: به فراریها بگو: نه فرار کردن از مرگ طرّفی دارد و نه گریختن از کشته شدن سودی، شما در این میان جز اندک مدّتی نمی مانید. این گروه به اسلام رأی دادند، ولی پایداری نکرده و گریختند. گروه دیگر پایمردی را از کف رها نکردند: و من المؤمنین رجالٌ صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمَنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظرُ و ما بدّلوا تبدیلاً .

یعنی در برابر گروه اوّل که فرار کرده و صحنه را ترک نمودند، رادمردانی پایدار و مستقیم هستند که به عهد خود وفادار بوده، به آن حرمت می نهند و جان دادن در راه دین را یک دین میدانند. اگر گروه اوّل تعهد کردند و فرار کردند، در مقابل، گروه دوّم تعهد سپردند و ایستادند و راه انبیا را ادامه داده و از امدادهای آن ذوات مقدّسه بهره ها بردند. آنها تعهد کردند که صحنه را رها نکنند، به این تعهد ارج نهاده، آن را محترم شمرده و صحنه را ترک نکردند، چنین گروهی یا خون داده و شهید شدند و یا برای خون دادن آماده بوده، به انتظار شهادت نشسته اند؛ نه پیشگامان آنها که خون دادند پشیمان هستند و نه آنان که منتظر بوده و در پشت جبهه هستند، نگران می باشند، آنها هرگز تصمیم خود را عوض نکردند: ...و ما بدّلوا تبدیلاً .